



جمعه 28 آبان 11 ذي الحجه 19 نوامبر

و فات واقدي [صاحب المغازي] در سال 207 هجري قمری

و فات واقدي [صاحب المغازي] در سال 207 هجري قمری

ابو عبدالله، محمد بن عمر واقدي از دانشمندان و مورخان بزرگ اسلامي است که در سال 130 قمری، در خلافت مروان بن محمد [آخرین خلیفه اموی] در مدینه منوره دیده به جهان گشود. مادرش از زنان ایرانی نژاد و فرزند عیسی بن جعفر بن سائب بود. وی از اوان جوانی به تحصیل علوم اسلامی روی آورد و در آموختن و خواندن سیره نبوی و غزوات و جنگ های صدر اسلام، علاقه خاصی نشان داد و در این زمینه تلاش وافری به عمل آورد و پس از مدتی به گرد آوری احادیث و روایات مربوط به سیره پیامبر (ص) و غزوات آن حضرت پرداخت و به هر یک از اولاد صحابه، فرزندان شهدای صدر اسلام و یا فرزندان تابعین میرسید، هر خاطره ای که از آنان در باره حضور پدرانشان در جنگ و جهاد صدر اسلام نقل می کردند، گرد آوری می کرد و حتی برای تحقیق و آشنایی بیشتر، به محل وقوع جنگ ها می رفت و آنها را از نزدیک مورد بررسی قرار میداد.

در سالی که هارون الرشید عباسی به همراه وزیرش یحیی بن خالد بر مکی به مدینه رفته بودند، در پی کسی بودند که محل شهادت شهیدان صدر اسلام را به خوبی بداند و آنان را به تمامی مکانهای مورد نظر راهنمایی کند. در آن ایام، واقدي را به هارون الرشید معرفی کردند و واقدي، خلیفه و همراهان وی را برای یافتن محل جنگ ها و مشهد شهدا راهنمایی کرد و خرسندی هارون و وزیرش یحیی بن خالد رافراهم کرد و به همین جهت مبلغ ده هزار درهم [که پول بسیار چشم گیر و زیادی بود] به وی هدیه دادند و از این راه، او را به خود جذب کردند.

وی، از آن پول بدهکاری های خویش را پرداخت و مشکلات زندگی خود را برطرف نمود و به فرزندان و اطرافیان، مخصوصاً صابو همسران فرزندان خویش، عطایای زیادی نمود و پس از مدتی مجدداً دست تنگ شد و برای یافتن مبالغ دیگر راهی عراق گردید.

در عراق هارون الرشید و به ویژه وزیرش یحیی بن خالد بر مکی از وی استقبال شایانی کرده و در هم و دینار زیادی به وی بخشیدند. واقدي در دوران خلافت سه تن از عباسیان، یعنی هارون الرشید، امین و مأمون عباسی در بغداد به سر برد و از کمک ها و توجهات آنان برخوردار گردید و حتی پس از خشم هارون نسبت به یحیی بن خالد و بر مکیان، منزلت واقدي در نزد خلفاء محفوظ ماند. وی مدتی در جانب غربی دجله و در ایام مأمون عباسی در جانب شرقی دجله شهر بغداد، مقام قضاوت را بر عهده داشت و در این مدت، کتاب های زیادی را تألیف نمود، که بسیاری از آن ها از بین رفته و جز نام، چیزی از آن ها باقی نمانده است.

مهمترین تألیفات وی عبارتند از: المغازي، اخبار مکه، الجمل، مقتل الحسين، کتاب السیره، صفین، الرده والدار، السقیفة، المناکح، مولد الحسن والحسين، التاريخ الكبير و...

محمد بن سعد زهری، نویسنده کتاب معروف "الطبقات الكبرى" که خود از دانشمندان و تاریخ نگاران بزرگ اهل سنت است، مقام شاگردی و منشی گری [کتابت] واقدي را بر عهده داشت و بیشتر کتاب ها و زندگی نامه واقدي، به دست وی نوشته شد.

واقدي با اینکه همانند سایر مورخان و دانشمندان اهل سنت، تلاش بلیغی در موجه جلوه دادن خلفای سه گانه [ابوبکر، عمر و عثمان] و پرداختن به سربیه ها و جنگ های آنان و افرادی همسان آنان به عمل آورد، با این حال نتوانست از دلاوریها، مجاهدت ها و قهرمانی های حضرت علی (ع) در اکثر غزوات و جنگ های صدر اسلام و بیان فضایل و مناقبت آن حضرت، چشم پوشی کرده و حقایق را نادیده بگیرد. به همین جهت، برخی از مورخان اهل سنت، وی را شیعه و یا مایل به شیعه دانسته و عدم اظهار شیعه گری اش را حمل بر تقیه نمودند. ولی بسیاری از دانشمندان شیعه، این گفتار را نپذیرفته و وی را از علمای اسلامی غیر شیعه می دانند.

به هر روی، بنا به گفتار شاگردش محمد بن سعد زهری در کتاب "الطبقات الكبرى" وی در شب سه شنبه یازدهم ذي حجه، سال 207 قمری در 78 سالگی، در شهر بغداد وفات یافت و در قبرستان "خیزران" به خاک سپرده شد.

آغاز عملیات نامنظم ظفر 4 در سال 1366 هجري شمسي

عملیات نامنظم ظفر 4 در سال 1366 هجري شمسي با رمز یا رسول الله (ص) در منطقه عملیاتی استان دهوك در عمق دویست و پنجاه کیلومتری داخل خاک عراق انجام شد. هدف از اجرای این عملیات انهدام تأسیسات نظامی و اقتصادی دشمن بود که نیروی

زمینی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی قرارگاه رمضان با همکاری معارضین عراقی آن را با پیروزی انجام دادند.